

متکلمان مسیحی و معجزات پیامبر اسلام ﷺ

حجت الاسلام دکتر رضا برنجکار* (دانشیار دانشگاه تهران - پردیس قم)
محمد جواد دانیالی* (دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی)

چکیده

متکلمان مسیحی برای معجزات و دلالت‌های آنها اهمیت بسیاری قائل‌اند و برای اثبات حقانیت و برتری دینشان بر انحصاری بودن معجزات منقول از حضرت عیسی تأکید فراوان دارند. بر این اساس، علاوه بر معجزه بودن قرآن کریم، معجزات ظاهری پیامبر اسلام ﷺ مانند شق القمر و... که از نظر شکل مادیشان مانند معجزات حضرت مسیح‌اند، در نقطه مقابل ادعای متکلمان مسیحی قرار می‌گیرند؛ لذا در این مقاله تلاش شده نوع نگاه مسیحیان به معجزات ظاهری پیامبر اسلام ﷺ مورد بررسی قرار گیرد و ضمن تحلیل توجهات آنان برای رهایی از این مشکل، به آنها پاسخ داده شود؛ از این‌رو، دیدگاه‌های عالمان مسیحی به دو دسته یعنی کسانی که با اشکال‌های سندی و متنی، منکر کلی وقوع معجزات شده‌اند و کسانی که با پذیرش وقوع معجزات، منکر دلالت آنان بر حقانیت می‌شوند، تقسیم شده است و به هریک جداگانه و پاسخ داده شده است.

واژه‌های اصلی: محمد ﷺ، معجزه، مسیحیت، مستشرقان.

۱- طرح مسئله

معجزه از دلایلی است که کم و بیش نزد عالمان اکثر ادیان برای اثبات حقانیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. ادیان ابراهیمی در این زمینه بارزترند و مسیحیت نیز در میان آنها بر معجزات تأکید بیشتری دارد. عهد جدید مسیحیان مملو از نقل معجزات حضرت مسیح و اشاره به کارکرد اثبات حقانیت آن وقایع است. به تبع، معجزه و بحث درباره آن بخش مهمی از کتب اعتقادی مسیحیان را به خود اختصاص داده، بار اصلی اثبات برتری مسیحیت را بر ادیان دیگر به دوش می‌کشد. در حقیقت، اعتبار نقل معجزات و منحصر به فرد بودن آنها نزد مسیحیان از دلایل مهم برتری ایمان مسیحی بر سایر عقاید است.

اسلام نیز معجزه را دلیلی بر حقانیت معرفی کرده است. افزون بر قرآن به عنوان معجزه اصلی و جاودان پیامبر اکرم ﷺ نقل‌های فراوانی از معجزات دیگر پیامبر ﷺ در اسلام وجود دارد. با توجه به تأخر اسلام نسبت به مسیحیت، معجزات آن دلیلی در مقابل ادعای انحصار و تداوم اعتبار معجزات مسیحیت می‌باشد.

بنابراین، دانشمندان مسیحی همیشه بر آن بوده‌اند تا در مقابل شبهات برآمده از وجود معجزات پیامبر اسلام ﷺ پاسخ‌گو باشند؛ شبهاتی از قبیل: با وجود اینکه پیامبر اسلام نیز دارای معجزاتی نظیر معجزات مسیح بوده است، چگونه می‌توان اعتبار الهی را مختص به ایمان مسیحی دانست؟ آیا وجود نقل‌هایی از معجزات پیامبر اسلام همانند نقل‌هایی از معجزات مسیح - با وجود مخالفت ادعاهای هر دو دین با هم - از بین برنده دلالت کلی معجزه نیست؟

قرآن، معجزه اصلی پیامبر اسلام ﷺ در بسیاری جهات از جمله داشتن جنبه‌های علمی، معرفتی و ادبی آن با معجزات دیگر متفاوت است. علاوه بر این، نقل‌های متعددی از معجزات دیگر پیامبر اسلام ﷺ وجود دارد که همانند معجزات منقول از حضرت مسیح ﷺ است.

عالمان مسیحی، هرچند با تغافل بسیار، گه‌گاهی به معجزات اسلام پرداخته‌اند. آنان بیشتر به روایت‌های نقل‌کننده معجزات ظاهری پیامبر ﷺ پرداخته و توجه اندکی، آن هم با تعصب و بدون اطلاعات تاریخی و ادبی کافی، به معجزه اصلی اسلام یعنی قرآن داشته‌اند. (see: Al-Kindi, Abd al Masih, The Apology of Al Kindy, 1882, P.30)

در این مقاله به دلیل گستردگی بحث از قرآن و جنبه‌های اعجازی آن از یک طرف و تصوّر متفاوت متکلمان مسیحی از معجزه - که متمرکز بر خوارق عادات ظاهری و مادی است - تنها به معجزاتی از پیامبر اسلام ﷺ می‌پردازیم که مانند معجزات مشهور نقل شده از دیگر انبیا معجزاتی قابل درک به وسیله حواس ظاهری است. به عبارت دیگر، هدف از این نوشتار، بررسی این نکته است که مسیحیان چگونه و با چه توجیهی نقل‌های متعدد و معتبر معجزات پیامبر اسلام ﷺ را که از نظر نوع و شکل، همانند معجزات منقول از حضرت مسیح در اناجیل است، کنار نهاده و با وجود پذیرفتن دلالت معجزه، حاضر به تسلیم شدن در برابر اسلام و آموزه‌های آن نمی‌شوند.

۲- اهمیت معجزه نزد مسیحیان

مسیحیان اصل مبانی اعتقادی خود را بر پایه معجزات حضرت عیسی بنا نهاده‌اند و آن را شکل‌دهنده عقاید و ایمان مسیحی می‌دانند (ر.ک: Corner, Mark, 2005, p122). به همین دلیل در مواجهه با اسلام، چاره‌ای جز پرداختن به معجزات اسلام و رفع تعارض ادعایی آنها با معجزات حضرت مسیح ندارند.

۳- علمای مسیحی و معجزات اسلام

مسیحیت به دلیل سبقت زمانی‌اش نسبت به اسلام و تأکید فراوان بر پدیده معجزات به عنوان اثبات‌کننده حقایق، با مشکل مهم معجزات پیامبر اسلام ﷺ روبروست و برای پایداری خود باید به گونه‌ای آنها را توجیه کند.

مسیحیان هرچند مانند پیروان ادیان دیگر به این مهم کمتر توجه کرده‌اند، گاهی مستقیم یا غیرمستقیم در مقام پاسخ به آن بر آمده‌اند. مسیحیانی را که به معجزات اسلام توجه کرده‌اند، می‌تواند به دو دسته کلی تقسیم کرد: اول کسانی که کل معجزات را منکر می‌شوند و با تفاوت‌گذاری میان معجزات واقعی و غیر واقعی یا تضعیف اسناد و یا نقد متن روایات موجود، تنها معجزات مورد اعتماد را معجزات نقل شده از مسیح در اناجیل می‌دانند. عده دیگر انکار کل معجزات را منصفانه ندانسته‌اند و بر آن‌اند که با ارایه تبیینی از دلالت معجزات غیر مسیح، آنها را اثبات‌کننده حقایق و معارض با معجزات مسیح ندانند.

در ادامه به این دو رویکرد به تفصیل می‌پردازیم.

الف) انکار کلی معجزات پیامبر اسلام ﷺ

آکویناس در بحثی کلی که ظاهراً کنایه‌ای به اسلام دارد، امکان وقوع معجزه به دست ضد مسیح را بررسی می‌کند. او بخشی از رسالهٔ دوم تسالونیکیان را دربارهٔ ظهور ضد مسیح می‌آورد که از ظاهرش این امکان برداشت می‌شود:

*ظهور او به عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ
(رسالهٔ دوم تسالونیکیان ۲:۹).*

اشکالی که سنت توماس مطرح کرده، در واقع، اشکالی است که تمام ادیانی که از خوارق عادات برای اثبات حقانیت دین خود استفاده می‌کنند، با آن روبه‌رو هستند. آکویناس با تقسیم مفهوم معجزه به مفهوم مضیق و موسع آن، تلاش می‌کند این مشکل را پاسخ دهد. او معجزه به معنای مضیق را چیزی می‌داند که خارج از نظام موجود بین مخلوقات انجام شود؛ نظامی که تمام توانایی‌های مخلوقات تحت آن شکل گرفته است. اما معجزه به معنای موسع را چیزی می‌داند که از قدرت و تجربهٔ بشر فراتر است اما شیاطین از انجام آن ناتوان نیستند (Aquinas, St Thomas, Summa Theologica p.743-745).

این تحلیل مربوط به تفکیک حقیقت معجزات یا به عبارت دیگر، مربوط به مقام ثبوت است. اما ظاهر دو نوع معجزه نیز باید تمایز روشنی داشته باشد و تفکیک آن دو به ملاکی عینی نیازمند است تا در مقام اثبات نیز قابل تشخیص باشد.

آکویناس برای تمایز بین معجزهٔ واقعی و غیر واقعی از قول آگوستین چنین می‌گوید:
هنگامی که ساحران همان کارهای اولیای الهی را انجام دهند، در هدف و اصول با آنها متفاوتند. ساحران برای فخر خود به این کار دست می‌زنند، اما اولیاء برای فخر الهی؛ ساحران برای اعتبار شخص و اولیای الهی برای یاری و فرمان بارز خداوند نسبت به مخلوقات مورد نظر، این کار را انجام می‌دهند (Ibid, P.745).

با نزدیک تر شدن به دوران معاصر، نظرات پالی، الهی‌دان معروف مسیحی را می‌یابیم. پالی که دفاعیات او از مسیحیت در مقابله با هیوم مشهور است، در کتاب *ادلهٔ مسیحیت* در فصلی با عنوان «دربارهٔ دین محمد [ص]» (Of the Religion of Mahomet) صریحاً به

بررسی اسلام پرداخته است. از آنجا که به نظر می‌رسد او نیز مانند دیگر مسیحیان اصلی‌ترین دلیل اثبات حقانیت یک دین را معجزه می‌داند، در ابتدای بحث خود بر معجزات پیامبر اسلام ﷺ متمرکز می‌شود و برای تضعیف و انکار آنها با اطلاعات نسبتاً زیادی که از قرآن و منابع اسلامی دارد، پیش می‌رود. او در ابتدا از اهمیت اسلام چنین می‌گوید:

تنها واقعه در تاریخ بشریت که می‌تواند در مخالفت با رواج مسیحیت هم
آوردی کند، موفقیت «محمدیسم» است (Paley, William, Evidances of
christianity, P.331).

این عبارت نشان می‌دهد که چرا ادله حقانیت اسلام، مخصوصاً معجزات پیامبر اسلام ﷺ برای امثال پالی و همه اندیشمندان مسیحی اهمیت فراوان دارد. پالی معتقد است، اسلام و مسیحیت شباهت‌هایی دارند، اما در چند مورد دارای تفاوت هستند و همین تفاوت‌هاست که باعث می‌شود او اسلام را دارای صلاحیت کافی برای حقانیت نداند. یکی از تفاوت‌ها از نظر او این است که او حضرت محمد ﷺ را دارای معجزه نمی‌داند و چنین استدلال می‌کند:

مسیحیان با استناد به قرآن مورد تأیید قرار می‌گیرند. در قرآن نه تنها محمد
[ص] توانایی انجام معجزه را اظهار نمی‌کند، بلکه به صراحت آن را انکار
می‌کند (Ibid, P.۳۳۲).

او سپس آیاتی از جمله آیات زیر را برای تأیید ادعای خود می‌آورد:

۱. «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد/۷)؛ «و کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند: «چرا نشانه (معجزه آسایی) از طرف پروردگارش بر او فرود نیامده است؟!» (ای پیامبر!) تو فقط هشدار دهنده‌ای؛ و برای هر گروهی رهنمایی است».
۲. «وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ» (اسراء/ ۵۹)؛ «و هیچ چیزی) ما را باز نداشت از این که نشانه‌ها (ی معجزه‌آسا) را بفرستیم جز این که پیشینیان آن را دروغ انگاشتند».

۳. «وَقَالُوا لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ أُولَئِكَ يَكْفُرُونَ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»

(عنکبوت / ۵۰-۵۱)؛ «و گفتند: «چرا نشانه‌های (اعجاز آمیز) از سوی پروردگارش بر او فرو فرستاده نشده؟!» بگو: «نشانه‌های (اعجاز آمیز) تنها نزد خداست و من فقط هشدارگری روشن‌گرم.» و آیا برای آنان کافی نبود که ما کتاب (= قرآن) را بر تو فرو فرستادیم، در حالی که بر آنان خوانده می‌شود؟!...».

او الهام‌های جبرئیل، سفر معراج و یاری ملائک در جنگ‌ها را معجزه مورد نظر نمی‌داند و مدعی می‌شود که تنها موردی که در قرآن ادعای معجزه بودن آن شده، آیات ابتدایی سوره قمر است: «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» (قمر / ۱-۲)؛ «ساعت (= رستاخیز) نزدیک شد و ماه بشکافت! و اگر نشانه‌ی (معجزه آسایی) ببینند روی می‌گردانند و می‌گویند: «این) سحری مستمر است».

پالی این آیات را نیز به دلیل اینکه عده‌ای از مفسران، آنها را مربوط به نشانه‌های قیامت می‌دانند، کنار می‌گذارد. او سپس به سراغ روایات اسلامی می‌رود و آنها را به لحاظ سندی در مقابل ظاهر قرآن که به نظر او معجزات را رد می‌کند، نامعتبر می‌داند و می‌گوید:

ما نمی‌توانیم به داستان‌های معجزه‌واری که ابوالفداء از محمد [ص] ۶۰۰ سال پس از وفات او نقل کرده یا آنچه در داستان‌های الجنابی که ۲۰۰ سال بعد آمده است، بسنده کنیم (همان، Ibid, P. 333).

گیسلر (Norman Geisler) و پورتیل (Richard Purtill) نیز رویه انکار معجزات اسلام را همانند پالی در پیش گرفته و با ایراد اشکالاتی به راحتی خود را از توجه به کارکرد معجزات موجود در اسلام رها کرده‌اند.

گیسلر در دایرة المعارف کلام مسیحیت در پاسخ به اشکال تعارض معجزات هیوم، ضعف سند معجزات اسلام را راه نجات از این اشکال معرفی کرده و بیان می‌دارد:

تنها معجزات مسیح توسط شاهدانی معاصر و با تعداد کافی رؤیت شده است و داستان‌های معجزات پیامبر اسلام، قرن‌ها پس از او به وجود آمده است (Geisler, Baker Encyclopedia of Christian Apologetics, P.44).

ریچارد پورتیل، پرفسور کاتولیک دانشگاه واشنگتن، نیز در مقاله‌ای که به دفاع از معجزات پرداخته است، راه حل مشکل تعارض معجزات ادیان را در یکی از موارد زیر منحصر می‌داند:

۱. دلیل معجزه قابل اعتماد نیست و نمی‌تواند یک نظام دینی را اثبات کند.
۲. این دلیل به نفع هر دو طرف نیست و یکی از آنها فاقد چنین شاهی است.
۳. تعارض دو دین ظاهری است (Richard Miracles: What if They Happen, P.329).
او پس از آنکه رخ دادن معجزه در ادیان پیش از مسیحیت مانند یهود و حتی ادیان ابتدایی مصر را بدون معارضه واقعی با مسیحیت می‌داند، معتقد است آنچه برای حقانیت مسیحیت تهدید به شمار می‌رود، معجزه‌ای است که با ادعای مسیحیت مقابله کند یا در حمایت از ادعاهای متعارض با آن واقع شود. او اسلام را نمونه این تهدید معرفی می‌کند و چنین مثال می‌زند که اگر یک مسلمان مقدس، مرده‌ای را زنده کند تا مسیحیان را ترغیب کند که نبوت حضرت محمد ﷺ جایگزینی برای نبوت عیسی مسیح ﷺ است، در این صورت یک تعارض واقعی رخ داده است.
او برای دفاع از مسیحیت از راه دوم، یعنی زیر سؤال بردن معجزات اسلام، استفاده کرده و بدون هیچ گونه استنادی چنین گفته است:

گاهی افسانه‌هایی شبیه داستان پریان در اطراف شخصیت‌هایی مانند بودا یا محمد [ص] با خصوصیات مشترکی رشد می‌کنند. این افسانه‌ها قرن‌ها پس از زمانی که وقوعشان ادعا شده سر بر می‌آورند. آنها ملاک‌های کامل خیالی بودن را دارند و آنها با چنین بیانی نسبتشان را با افسانه و اسطوره نشان می‌دهند. حال، همه این نقل‌ها را با نقل‌های موجود در اناجیل و فضای متفاوت آنها مقایسه کنید (همان، Ibid P.330).

او برای ادعاهای خود جز مثال بدون سندی از افسانه‌های ادعایش که می‌گوید «محمد ﷺ سوار بر اسبش تا ماه راند» چیز دیگری بیان نمی‌کند و این نشان از ضعف آگاهی اندیشمندانی چون او دارد که بدون اطلاع کافی و حتی اولیه، وارد مباحث دین شناسانه می‌شوند، در حالی که این امر قابل چشم‌پوشی و برخورد و سهل‌انگاران، آن هم از طرف متفکران سطوح بالای این مباحث نیست.

پورتیل در ادامه می‌کوشد با روش نقد متن، معجزات اناجیل را مقبول‌تر از معجزات ادیان دیگر جلوه دهد و با این کار، تعارض آنها را حل نماید. لکن با آگاهی اندک او از ادیان دیگر مانند اسلام و ارائه استدلال‌هایی ضعیف، نتوانسته به هدف خود دست یابد. در

این روش او با تحلیل محتوای روایات نقل کننده معجزات پیامبر اسلام ﷺ تلاش کرده تا نشان دهد که ظاهر این روایات نشان از آن دارد که ساخته و پرداخته ذهن راویان است، ولی در مقابل، روایات اناجیل از چنین مشکلی مبرا هستند.

در نمونه دیگری از انکار بی دلیل اعتبار روایات معجزات پیامبر اسلام ﷺ می توان به استرُبل (Lee Strobel) نویسنده مشهور مسیحی اشاره کرد. وی در کتاب *موردی برای ایمان (The Case for Faith)* - که برنده جوایز بسیاری در زمینه دفاع از مسیحیت شده - در بحث مربوط به معجزه، بخشی را به معجزات حضرت محمد ﷺ اختصاص می دهد و به صورت سؤال و جواب کوشیده است، این معجزات را غیر قابل معارضه با معجزات حضرت مسیح معرفی کند.

او در ابتدا معجزات اسلام را به عنوان شبهه‌ای در مقابل معجزات مسیح مطرح می کند و از زبان مدافع مسیحیت، آن را چنین دفع می کند که در قرآن به این معجزات اشاره‌ای نشده است. سپس در ادامه می گوید:

معجزات پیامبر اسلام در سنت و حدیث - که نزد مسلمانان منبع تفسیر قرآن و دارای اهمیت فراوانی است - مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ بنابراین نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. (Strobel, The Case for Faith, A Journalist Investigates the Toughest Objections to Christianity, p.96)

وی سپس می گوید:

این سنت اسلامی صدها سال پس از زندگی محمد [ص] پدید آمده است؛ بنابراین، قابل مقایسه با اناجیل که در زمان نسل اول و هم‌دوره با شاهدان عینی معجزات نوشته شدند، نیست [۱] برای مثال، در کورینتیان اول (شماره ۱۵) گزارش‌های رستاخیز حضرت عیسی متعلق به پنج سال اول پس از اصل واقعه است. (Ibid, p. 96)

بررسی

به طور کلی و مختصر در پاسخ به اشکالات متکلمان مسیحی می توان چنین گفت:

۱- علمای مسیحی قرآن را که معجزه اصلی اسلام است و بارها در خود قرآن با

صراحتی کامل به آن تحدی کرده، نادیده گرفته اند و به نقل‌هایی پرداخته که علمای اسلامی به عنوان معجزات جنبی و فرعی به آنها نظر دارند. بسیاری از علما تنها از طریق قرآن حقانیت اسلام را اثبات می‌کنند و معجزات دیگر را مؤیداتی می‌دانند بر حقانیت رسالت نه دلیل اثبات آن.

۲- روشن است با ملاکی که آکوئیناس برای تشخیص معجزه حقیقی معرفی می‌کند نمی‌تواند پاسخی برای معجزات پیامبر اسلام داشته باشد؛ چرا که هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ انگیزه و هدف، معیارهای معجزه حقیقی به طور کامل وجود دارد.

۳- در پاسخ پالی باید گفت اولاً در مورد آیات دسته اول یادآوری این نکته لازم است که درخواست معجزه از طرف مشرکان و کافران معاصر پیامبر ﷺ واقعی نبود؛ چون معجزه بزرگ قرآن در پیش روی آنها بود که تحدی می‌نمود ولی آنان بهانه جویی می‌کردند و وظیفه پیامبران این نیست که به هر گونه بهانه جویی پاسخ مثبت دهند.

ثانیاً او روایات پر تعداد و معتبری را که با سندهای متصل و متعدد در کتاب‌های معتبر شیعه و اهل سنت (ر.ک: علامه مجلسی، بحار الانوار، ۳۴۷/۱۷؛ بخاری، صحیح بخاری، ۴/۲۴۳؛ عسقلانی، فتح الباری، ۷/۱۳۹) به نقل شق القمر و معجزات دیگر پرداخته‌اند، نادیده گرفته است. این در حالی است که در خوش‌بینانه‌ترین نگاه به اناجیل، روایت آنها از معجزات حضرت مسیح معتبر تر از نقل‌های متعدد راویانی نیست که سینه به سینه و با سندهای ضبط شده، شق القمر پیامبر اسلام ﷺ را نقل کرده‌اند.

ثالثاً در قرآن کریم به برخی معجزات دیگر پیامبر اسلام ﷺ اشاره شده است؛ مثل اخبار غیبی که در قرآن آمده و بعد از مدتی صحت آنها ثابت شده است، مانند خبر از پیروزی سپاه روم بر ایران در آینده: «الْمُغَلَّبَاتِ الرُّومِ فِي أَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» (روم / ۱-۳) «الف، لام، میم (سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد [ولی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد» و خبر پیروزی مسلمانان و فتح مکه: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح / ۲۷)، «به یقین، خدا به فرستاده‌اش، در خواب، به حق راست گفت

که اگر خدا بخواهد، قطعاً، با امنیت وارد مسجدالحرام می‌شوید، در حالی که سرهایتان را تراشیده و (یا) کوتاه کرده‌اید (و از کسی) نمی‌ترسید؛ و (خدا) می‌دانست آنچه نمی‌دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرار داده است».

نیز در قرآن از معراج پیامبر ﷺ سخن گفته شده است. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ (اسراء / ۱)، «منزه است آن (خدایی) که بنده‌اش را، شبانگاهی، از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی، که پیرامونش را پربرکت کرده‌ایم، سیر داد، تا برخی از نشانه‌هایمان را به او بنمایانیم؛ که تنها او شنوا [و] بینای (حقیقی) است».

۴- باید دانست روش نقد متن برای بررسی صحت و سقم و اعتبار روایات معجزه روشی سطحی و غیر قابل اعتماد است؛ چرا که معجزات از هیچ قاعده و نظم عادی و عرفی‌ای تبعیت نمی‌کنند و در عالم معجزات، کمتر واقعه‌ای وجود دارد که ناممکن و ناپذیرفتنی باشد و از محتوای آن به کذب آن اطمینان پیدا کرد؛ به عبارت دیگر، براساس این نگاه، متکلمان ادیان معجزات دیگر ادیان را با معیار قرار دادن محتوای معجزات دین خود، نقد و انکار می‌کنند و در نهایت، به نتیجه‌ای جز مجادله باطل دست نخواهند یافت.

۵- روشن است که گفته‌های استروبل ادعاهایی بی دلیل است. مسئله استناد کتب مقدس به رسولان و شاهدان عینی زمان حضرت عیسی یکی از معضلات حل نشده جهان مسیحی است. این معضل را در مباحثی که الهی‌دانان مسیحی در کتب خود پی گرفته‌اند، می‌توان به خوبی دید. آنها اذعان دارند که حتی نویسندگان اناجیل و کتب دیگر مسیحی و نیز زمان دقیق تدوین آنها به درستی مشخص نیست و تاریخ روشنی از روند شکل‌گیری و انتقال این کتب وجود ندارد. البته مسیحیان تلاش کرده‌اند تا با بیان شواهد و قرائن تاریخی - که عمدتاً در مورد همه کتب دینی قدیمی صادق است - احتمال اتصال بخش‌های مختلف عهد جدید را به رسولان و نسل اول مسیحیان تقویت نمایند و به نوعی نشان دهند که متون گردآوری شده در عهد جدید کنونی هرچند سال‌ها پس از عروج حضرت عیسی تدوین شده‌اند، اما از اعتباری الهی برخوردارند.

(See: Hartvel Horn, Thomas, 1825, V.1, p.70)

ولی باید گفت، نشانه‌های تاریخی دلالتی حدسی که مرقس - یکی از یاران پطرس که احتمالاً قدیمی‌ترین انجیل نگاشته‌اوست - کتاب خود را حدود سال ۶۰ میلادی یعنی (حدود ۳۰ سال پس از حضرت عیسی) نوشته است. این درحالی است که با توجه به نبود مرقس در میان شاگردان دوازده‌گانه حضرت عیسی، در مورد استناد گفته‌های او به طور روشن مطلبی وجود ندارد. (ر.ک: توماس میشل، ترجمه حسین توفیقیان، ۱۳۷۷ش، ص ۴۵).

۶- امثال پالی و گیسلر به روایات فراوانی از معجزات اسلام که سند بسیاری از آنها، سلسله‌ای متصل از کسانی است که در باره زمان و خصوصیات فردیشان آگاهی‌های بسیاری وجود دارد و بدین وسیله می‌توان سندهای صحیح را از سقیم بازشناخت، توجهی نکرده‌اند. از طرف دیگر، تعدد برخی از این سندها به گونه‌ای است که ضعف احتمالی آنها را جبران می‌کند. متکلمان مسیحی کتاب‌های حاوی این روایات را رها کرده و به کتاب‌هایی توجه نموده‌اند که قرن‌ها بعد در خصوص معجزات پیامبر اکرم ﷺ جمع‌آوری شده‌اند و در میان خود مسلمانان نیز از اعتبار چندانی برخوردار نیستند.

ب: پذیرش وجود معجزات پیامبر ﷺ و انکار دلالت آنها بر حقانیت

البته در میان مسیحیان کسانی هستند که با رویکرد واقع‌بینانه‌تری تنها راه حل مشکل تعارض معجزات را انکار کل معجزات اسلام نمی‌بینند، بلکه با تشکیک در دلالت آنها می‌کوشند با اثبات برتری معجزات مسیح در اثبات حقانیت، از دین خود دفاع کنند.

پتر، کشیش باسابقه و نویسنده مدخل «معجزه» در دایره‌المعارف جدید کاتولیک، وقتی با چنین نگاهی به این اشکال که چون وجود معجزه در بیشتر ادیان ادعا می‌شود، بنابراین نمی‌توان از آن به عنوان دلیلی بر اثبات حقانیت یک دین خاص یا حقانیت کلیسا استفاده کرد، چنین پاسخ می‌دهد:

توجه به معجزه به عنوان دلیلی بر حقانیت وحی مسیحی و مذهب کلیسا امکان وقوع معجزه خارج از مسیحیت و کلیسا را نفی نمی‌کند. ممکن است خدا در ارتباط با مذاهب دیگر مسیحی یا ادیان دیگر، معجزاتی را به دلیل‌های مختلف از جمله شهادت بر حضور خداوند، اثبات عقیده‌ای خاص یا تقویت یک باور ایجاد کند. از طرف دیگر، کاتولیک‌ها چنین استدلال می‌کنند که چون کلیسا از جانب خدا اعتبار دارد، خداوند معجزه‌ای که بتواند با در نظر گرفتن شرایط، تأییدی الهی بر دین یا اعتقادی کاملاً برخلاف تعالیم مسیح و کلیسایش باشد، ایجاد نخواهد کرد (pater, 2003, v9, p669).

پتر در حقیقت بدون اینکه به وجود یا عدم وجود معجزات در ادیان دیگر وارد شود، تنها به گسترش کارکرد آنها می‌پردازد و مدعی می‌شود لزوماً اثبات عقیده‌ای خاص، کارکرد یک معجزه نیست، بلکه شهادت صرف بر وجود خدا هم می‌تواند یک کارکرد برای معجزه باشد.

سویین برن نیز در بخشی از کتاب خود با عنوان «معجزه» (Miracles) که تلاش کرده به اشکالات هیوم پاسخ گوید، در بحث از اشکال تعارض معجزات به کارکردها توجه کرده و در ابتدا می‌گوید:

در حقیقت، گواهی یک معجزه که در یک دین رخ داده، تنها زمانی گواهی مخالفی برای دین دیگر است که در هر دو - اگر رخ داده باشد - گواهی برای قضا بای متناقض دو نظام دینی باشد. (Swinburne, Richard, 1994, p.315)

او سپس با استفاده از این قید مربوط به کارکرد معجزات، یافتن دو معجزه را که چنین قیدی داشته باشد، کار آسانی نمی‌داند و معتقد است دلالت بیشتر معجزات ادعایی به گونه‌ای است که موجب نزاع جدی نمی‌شود؛ چرا که بیشتر آنها در صورت صحت، تنها قدرت خدا یا خدایان و توجه آنها به نیازهای انسان‌ها و امثال اینها را نشان می‌دهند (Ibid).

بررسی

نکته جالب این است که معجزه در مسیحیت از دید متکلمان مسیحی دلالت بر حقانیت آن دین می‌کند، اما آنگاه که نوبت به اسلام می‌رسد، چنین دلالتی برای آن تصور نمی‌شود!! ولی باید گفت با تحلیل مفهوم معجزه که در تعریف آن گفته شده کاری خارق عادت است که مدعی منصب الهی می‌آورد و طبق ادعا واقع می‌شود و دیگران از آوردن مثل آن عاجز هستند (ر.ک: خویی، الیمان) این نتیجه به دست می‌آید که هر معجزه‌ای (چه معجزات حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و چه معجزات پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) همراه ادعا و برای اثبات مقام الهی آنان است. پس اثبات حقانیت در مفهوم معجزه نهفته است و از آن تفکیک ناپذیر است؛ هر چند کارکردهای دیگری نیز برای معجزه در نظر گرفته شود.

۴- نتیجه گیری

در میان مسیحیان دو نوع نگاه نسبت به معجزات اسلام وجود دارد؛ نگاه اول نگاه انکاری است که به طور کامل، تمام معجزات گزارش شده را به طور یک جانبه رد می کند. نگاه دوم نگاهی تبعیضی است که با پذیرش اجمالی بعضی از معجزات اسلام، در دلالت آنها خدشه می کند، ولی در مقابل، دلالت بر حقانیت را مختص به معجزات حضرت مسیح می داند. این نگاه برای معجزات اسلام کارکردهای دیگری از جمله اثبات وجود خدا و نشان دادن قدرت او را در نظر می گیرد.

لذا متکلمان مسلمان باید در مواجهه با دیدگاه نخست مسیحیان با تمرکز بر نقاط تاریخی و متنی روایات نقل کننده معجزات پیامبر ﷺ که موجب نقد مسیحیان شده است، به تبیین و توضیح صحیح آنها و رفع نکته های مبهم و شبهه آفرین آنها پردازند.

در مواجهه با دیدگاه دوم مسیحیان نیز متکلمان مسلمان باید با تحلیل مفهومی کارکردهای معجزات و بررسی تفاوت های آنها با یکدیگر و ملاک برتری دلالتی آنها در مقایسه با معجزات دیگر روشن نمایند که نگاه جهت دار مسیحیان به معجزات اسلام باعث خلل در فهم دلالت آنها و تمایز گذاری میان معجزات حضرت مسیح و معجزات پیامبر اسلام ﷺ شده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۳. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، المطبعة العلمية، قم، ۱۳۹۴ ق.
۴. طوسی، خواجه نصیر الدین و علامه حلّی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.
۵. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، دارالمعرفة، بیروت، چاپ دوم، بی تا.
۶. گلن، ویلیام، کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، چاپ اول، اساطیر، تهران، ۱۳۸۰.
۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۸. میشل، توماس، ترجمه حسین توفیقیان، کلام مسیحی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷ ش.
9. Al-Kindi, Abd al Mas'ih ibn Ishak, The Apology of Al Kindy, University of California, 1882.
10. Aquinas, Thomas, Summa Theologica, Edited by Benziger Bros, 1947, Perrysburg, Ohio, digital file in: <http://www.ccel.org/ccel/aquinas/summa.html>
11. Corner, Mark, Signs of God, Miracles and Their Interpretation, Ashgate, England, 2005.
12. Geisler, L.Norman, Baker Encyclopedia of Christian Apologetics, Baker Books, 1998.
13. Hartwell Horn, Thomas, An Introduction to the Critical Study and Knowledge of the Holy Scripture, fourth edition, Philadelphia, 1825.
14. Holy Bible, The King James Version of.
15. Paley, William, Evidences of Christianity, in: The Work of William Poley, George Cowie And Co, London, 1837.

16. Pater, T.G, Miracles (Theology of), in: New catholic encyclopedia, The Catholic University of America, 2002.
17. Purtill, Richard, Miracles: What if they happen? In: philosophy of religion an anthology, edited by: Luise P.Pojman, Second Edition, Wadsworth, California, 1994.
18. Strobel, Lee, The Case for Faith, A Journalist Investigates the Toughest Objections to Christianity, Zondervan, 2000.
19. Swinburne, Richard, (For the Possibility of Miracles)&(Miracles and Revelation), in: philosophy of religion an anthology, edited by: Luise P.Pojman, Second Edition, Wadsworth, California, 1994.